

## پیام چهار

### عاشق ظهور خداوند بودن توسط نگه داشتن عشقمان به او بر طبق اهمیت نهادی غزل غزلها

خواندن متون مقدس: غزل غزلها ۱: ۲-۴؛ ۲: ۸-۹؛ ۳: ۹-۱۰؛ ۴: ۱۲-۱۶؛ ۶: ۱۰، ۱۳؛ ۷: ۱۱؛ ۸: ۱۳-۱۴

۱. موضوع غزل غزلها، یک شعر، تاریخ عشق در یک ازدواج عالی بوده، تجربه پیشرونده مشارکت محبت آمیز یک فرد ایماندار با مسیح برای آماده سازی عروسش در شش مرحله عمده است - مکاشفه ۱۹: ۷-۹؛ متی ۲۵: ۶-۱۳؛ مکاشفه ۳: ۱۸-۲۲؛ زکریا ۴: ۱-۶، ۱۱-۱۴؛ ۱ یوحنا ۴: ۱۹؛ مزامیر ۱۱۰: ۱۱؛ ۱۱۹: ۱۴۰:

آ. در مرحله اول غزل غزلها، محبوبه مسیح برای پیگیری او جهت رضایت جذب می شود (۱: ۲-۷)؛ خداوند می خواهد جوینده او رابطه ای شخصی، عاطفی، خصوصی، و روحانی با او داشته باشد (۱: ۲، ۴)؛ تمام اصول روحانی، در این مرحله اول از حیات غلبه کننده جوینده گنجانده شده است؛ دروسی که در ادامه می آیند جدید نیستند، بلکه دروس قدیمی هستند که به طور عمیق تری تکرار می شوند.

ب. در مرحله دوم غزل غزلها، محبوبه مسیح برای رهایی از خود، از طریق یگانگی او با صلیب مسیح، فراخوانده می شود - ۲: ۸-۳: ۵:

۱. غزل غزلها ۲: ۸-۹ از سرزندگی رستاخیز می گوید. در این آیات، مسیح به غزال یا بچه آهو تشبیه شده است «جستان بر فراز کوهها، و خیزان بر فراز تپهها»؛ کوهها و تپهها به دشواریها و موانع اشاره دارند، ولی هیچ چیز آنقدر بلند یا عظیم نیست که مسیح رستاخیز کرده را متوقف کند. ما باید جوای حضور جستان بر کوه و خیزان بر تپه مسیح بوده و آن را بشناسیم.

۲. محبوبه مسیح در درون گرایی می افتد، که تبدیل به یک گوشه نشینی به عنوان دیواری می شود که او را از حضور مسیح دور نگه می دارد (آ. ۹ب). از این جهت، مسیح او را تشویق می کند که برخیزد و از وضعیت پست خود بیرون آید تا با او باشد (آ. ۱۰-۱۳).

۳. این توسط قدرت رستاخیز است، نه با حیات طبیعی خود، که ما عاشقان مسیح قادر می شویم با یک بودن با صلیب او، با مرگش هممشکل شویم (آ. ۱۴-۱۵). ما در روح آمیخته خود، در رستاخیز مسیح شرکت کرده و آن را تجربه می کنیم، که ما را قادر به یک بودن با صلیب می کند تا از خود رهایی یافته و به انسانی نو در خلقت نوین خدا برای تحقق اقتصاد خدا در بناسازی ارگانیک بدن مسیح دگرگون شویم (رومیان ۸: ۲، ۴، ۲۹؛ غلاطیان ۶: ۱۵؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۷).

پ. در مرحله سوم غزل غزلها، محبوبه مسیح فراخوانده می شود تا در صعود به عنوان خلقت نو در رستاخیز زندگی کند - ۳: ۶-۵: ۱:

۱. زندگی در صعود، زندگی مداوم در روحمان است. وقتی در روح خود زندگی می کنیم، به مسیح صعود کرده در آسمانها پیوستیم - افسسیان ۲: ۲۲؛ پیدایش ۲۸: ۱۲-۱۷؛ یوحنا ۱: ۵۱؛ مکاشفه ۴: ۲-۱؛ عبرانیان ۴: ۱۲، ۱۶ و زیرنویس ۱.

۲. با کار دگرگون کننده روح در ما، ما به ظرف متحرک مسیح تبدیل می شویم، کالسکه مسیح، «ماشین» مسیح، برای حرکت مسیح در ما و برای بدن مسیح - غزل غزلها ۳: ۹-۱۰؛ ر.ک. ۲ قرنتیان ۲: ۱۷-۱۲.

۳. ما با تثلیث الهی بازسازی می شویم تا ساخت بیرونی ما، انسانیت رستاخیز و صعود کرده عیسی، و تزئین داخلی ما، عشق ما به خداوند باشد - غزل غزلها ۳: ۹-۱۰.

۴. از طریق زیستن او در صعود مسیح به عنوان خلقت نو در رستاخیز، محبوبه مسیح در غنای حیات مسیح بالغ می شود تا بتواند به یک باغ برای مسیح جهت مسرت شخصی او تبدیل شود (۴: ۱۵-۱۲). او آماده است تا در هر شرایط یا محیطی عطر مسیح را منتشر کند (آ. ۱۶).

ت. در مرحله چهارم غزل غزلهای، محبوبه مسیح به طور قویتر به زیستن درون حجاب [پرده]، از طریق صلیب پس از رستاخیز، فرا خوانده می شود - ۵: ۲-۶: ۱۳:

۱. با زیستن در درون حجاب، محبوبه مسیح به اجرام آسمانی تبدیل می شود؛ او مثل صبح می درخشد، او به زیبایی ماه است، و مثل آفتاب طاهر است - آ. ۱۰.

۲. در بلوغ حیات مسیح، محبوبه مسیح شولمیت می شود (شکل مؤنث «سلیمان»)، این نشان می دهد که او در حیات، طبیعت، ابراز، و عملکرد (اما نه در خدایی) به عنوان بازتولید و تکثیر مسیح برای مطابقت با او جهت ازدواجشان، مثل او [مسیح] شده است - آ. ۱۳؛ ۲ قرننیا ۳: ۱۸.

ث. در مرحله پنجم غزل غزلهای، محبوبه مسیح در کار خداوند شریک است - ۷: ۱-۱۳:

۱. غزل غزلهای ۷: ۱۱ نشان می دهد که محبوبه مسیح می خواهد با محبوب خود کاری که برای کل جهان (صحرا) است را با اقامت موقت از جایی به جای دیگر (سکونت در دهات ها) انجام دهد؛ این نشان می دهد که او در انجام کار خداوند فرقه گرا نیست بلکه کار را باز نگه می دارد، تا دیگران بتوانند بیایند در آنجا موقتاً اقامت کنند و او در جای دیگر موقتاً اقامت کند؛ این حفظ یک کار در یک بدن است.

۲. شراکت در کار خداوند، کار کردن با اوست (۲ قرننیا ۶: ۱۱). برای کار با او، ما به بلوغ در حیات نیاز داریم، ما باید با خداوند یک باشیم، و کارمان باید برای بدن او باشد (کولسیان ۱: ۲۸-۲۹؛ ۱ قرننیا ۱۲: ۱۲-۱۲۷).

۳. شولمیت به عنوان همتای سلیمان کار می کند و از تمام تاکستان ها (غزل غزلهای ۸: ۱۱)، کلیساها و ایمانداران در کل زمین، مراقبت می نماید؛ ما باید کاری داشته باشیم که برای تمام جهان است؛ این کاری است که پولس با استقرار کلیساهای محلی انجام داد و سپس برای آوردن آنها به درک کامل بدن مسیح، کار کرد (رومیان ۱۶: ۱-۲۴).

ج. در مرحله ششم غزل غزلهای، محبوبه مسیح امیدوار است که ریوده شود (۸: ۱-۱۴). او «بر محبوب خود تکیه کرده»، از بیابان (قلمرو زمینی) بر می آید (آ. ۵):

۱. «بر محبوب خود تکیه کرده» نشان می دهد که مثل یعقوب، کف ران او لمس شده بود، و به قوت طبیعی او توسط خداوند رسیدگی شده بود - پیدایش ۳۲: ۲۴-۲۵.

۲. «بر محبوب خود تکیه کرده» نیز به این معناست که او خود را بیش از اندازه تحت فشار می بیند، و به نظر می رسد که این ادامه خواهد داشت تا زمانی که سفر بیابان تمام شود - ۲ قرننیا ۱: ۸-۹؛ ۱۲: ۹-۱۰؛ ۱۳: ۳-۴.

۳. او از محبوبش می خواهد که او را به عنوان مَهْری بر قلب عشق خود و به عنوان مَهْری بر بازوی قوت خود بگذارد؛ در این مرحله او از ناتوانی و درماندگی خود آگاه است، و او پی می برد که همه چیز به عشق خدا و قدرت حفاظت خدا بستگی دارد - غزل غزلهای ۸: ۶-۷.

۴. محبوبه مسیح از او که در ایمانداران به عنوان باغ های او [مسیح] ساکن است می خواهد که به او اجازه شنیدن صدایش را دهد؛ این نشان می دهد که در کاری که ما برای خداوند به عنوان محبوب خود انجام می دهیم، باید مشارکت خود را با او نگه داشته، همیشه به او گوش دهیم - آ. ۱۳.

۲. به عنوان کلام پایانی این کتاب شاعرانه، محبوبه مسیح دعا می کند که محبوبش بشتابد تا با قدرت رستاخیزش بازگردد (غزال و بچه آهو) تا پادشاهی شیرین و زیبایی خود (کوه های عطریات) را برپا کند، که کل زمین را پر خواهد کرد - آ. ۱۴؛ مکاشفه ۱۱: ۱۵؛ دانیال ۲: ۳۵:

آ. چنین دعایی اتحاد و همدلی مسیح به عنوان داماد و عاشقان او به عنوان عروس در عشق عروسی آنها را به تصویر می کشد، به طوری که دعای یوحنا، یک عاشق مسیح، به عنوان کلام پایانی متون مقدس، اقتصاد جاودان خدا را در مورد مسیح و کلیسا در عشق الهی او آشکار می کند - مکاشفه ۲۲: ۲۰.

ب. «وقتی که او بیاید، ایمان به امور مسلم تبدیل خواهد شد، و ستایش جایگزین دعا خواهد شد. عشق در کمال بی سایه تکمیل خواهد شد و ما در دامنه بی گناه به او خدمت خواهیم کرد. آن چه روزی خواهد بود! خداوند عیسی، به زودی [سریع] بیا!» و اچمن نی.